



لوسی و گیلاس هایش

کتابخانه دانشمندی

رضا کریمی  
شماره ۶۴



لوسی درخت گیلاسی در باغ خود داشت همیشه  
هنگام فرارسیدن تابستان گیلاس‌های تازه را از  
درخت خود می‌چید و در زنبیل می‌ریخت.

باد کتک فروش  
لوسی و گیلای هایش  
خرگوش و حلزون  
فیل خود خواه  
دو دوست  
ماهگیر  
رئیس کوچولو  
پاملا و باران

بهار: ۱۰ ریال

ترجمه سید

تلفن ۳۹۷۸-۳۱۶۷۰۰



انتشارات پدیده شاه‌آباد

بالهای گنجشک کوچولو زخمی شده بود و درد می کرد  
لوسی که دختر مهربانی بود روبه او کرد و گفت :  
ناراحت نباش اکنون بالهای ترا خوب می کنم .



یک روز هنگامی که زنبیل گیلاس هارا برای فروش به  
بازار می برد به گنجشک زردی برخورد کرد .



روز بعد که لوسی آخرین زنجبیل گیلاس‌های خود را برای  
فروش بازار می برد پایش به سنگی گرفت و زمین خورد  
بدن لوسی خیلی درد گرفت .

لوسی بال گنجشگ را بست و خوب از او مواظبت کرد  
ناکم کم بال گنجشگ خوب شد و توانست پرواز کند .





گنجشگ زرد دوستانش را صدا کرد ، گنجشگهای زرد  
 و قهوه‌ای ، و سبز همه آمدند و گیلاس‌های لوسی را جمع  
 کرده در زنبیل ریختند .



همه گیلاس‌ها روی زمین ریخته بود ، لوسی گریه می کرد  
 گنجشگ زرد صدای گریه لوسی را شناخت و از لانه خود  
 بیرون آمد . . .

از این سری منتشر شده است

- |                         |                    |
|-------------------------|--------------------|
| ۱- گرگ شمشیر            | ۹- لاکه پشت کوبولو |
| ۲- داستان دانه‌بر و رنگ | ۱۰- گرگ خیرنگار    |
| ۳- پنگوان               | ۱۱- خرس ماهیگیر    |
| ۴- زرافه                | ۱۲- خرس آلوده‌ای   |
| ۵- تمساح                | ۱۳- خروس آوازدهوان |
| ۶- قورباغه آبی          | ۱۴- طوطی خوشبخت    |
| ۷- مار زردگر            | ۱۵- خرس کوبولو     |
| ۸- گرگه پارتکوش         | ۱۶- کالبدین فراری  |

انتشارات پدیده مسکن

چاپ مسئول و مضمون



چاپ سعیدنو

افست‌زاشکان



لوسی از اینکه گیلا سه‌جامع شده بودومی توانست آنها را در بازار بفروشد خوشحال شده بود اکنون لوسی دوستان زیادی داشت که به او کمک می‌کردند.